



## فصلنامه دادگاهی حقوق ضایع

دوره ۲۴، شماره ۸۷، پاییز ۱۳۹۸

صفحات ۱۴۸ تا ۱۳۱

# پلیس ویژه ابلاغ و اجرای احکام کیفری

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷-۰۲-۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۹-اردیبهشت-۱۳۹۸)

علیرضا سایبانی\*: استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد، واحد بندرعباس

مجتبی قهرمانی: دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد، واحد قشم

### چکیده

تشکیل پلیس ویژه اجرای احکام کیفری و ابلاغ مستقر در محل دادسراه و تحت نظارت و تعیمات دادستان، نوآوری‌های دو دستورالعمل ساماندهی واحدهای اجرای احکام کیفری مصوب ۱۳۸۸ و ۱۳۹۱ رئیس قوه قضائیه است. ایجاد این پلیس، با قانون اساسی مغایرتی نداشته لذا در قوانین عادی، از جمله قانون آینین دادرسی کیفری و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به وظیفه اجرایی و تشکیل آن در واحدهای اجرای احکام کیفری و تعزیرات حکومتی اشاره شده است. تشکیل این نهاد ویژه، موجب تسريع در ابلاغ اوراق قضائی و اجرای سریع احکام می‌شود. با وجود مقررات کافی و نیاز شدید واحدهای اجرای احکام به یک پلیس تخصصی جهت اجرای دستورات و تصمیمات قضائی، تاکنون به این مهم پرداخته نشده است. هدف مقاله تشریح جایگاه قانونی و وظایف پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ و جلب توجه مسئولین به تأسیس این نهاد در سراسر کشور خواهد بود. مقاله حاضر با نگاه توصیفی - تحلیلی و به روش استادی می‌باشد که از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و همچنین استفاده از تجارب قضائی خصوصاً اجرای احکام کیفری و راه اندازی پلیس مربوط در استان هرمزگان<sup>۱</sup> تهیه شده است و تلاش می‌کند تا به نقش و جایگاه این پلیس در ساماندهی واحدهای اجرای احکام کیفری بپردازد.

**کلیدواژه‌ها:** ابلاغ احکام، اجرای احکام کیفری، پلیس ویژه، ضابط.

E-mail: <Saybain.a@gmail.com>

\*نویسنده مسئول

۱. این پلیس با ظرفیت ۷ نفر نیروی رسمی و ۲ نفر نیروی وظیفه که از کلانتری و پاسگاه‌های شهرستان سازماندهی شده بودند در مهرماه ۹۳ در ساختمان دادسرای عمومی و انقلاب بندرعباس راه اندازی و یک مامور ارشد به عنوان فرمانده آن منصوب گشت. اکنون ماموران پلیس مذکور به ۱۱ نفر نیروی رسمی، شامل: ۹ نفر آقا و ۲ نفر خانم افزایش یافته است. آمار جلب محکومین قبل از تشکیل این پلیس به صورت تخمینی به کمتر از ۳۰۰ نفر در سال می‌رسید لکن بعد از ایجاد پلیس مذکور، تعداد ۸۰۷ نفر در ۶ ماهه دوم سال ۹۳، ۱۹۵۰ نفر در سال ۹۴، ۲۵۶۵ نفر در سال ۹۵ و ۲۲۹۱ نفر در سال ۹۶ جلب و به واحدهای اجرای احکام معزوف شده‌اند.

## مقدمه

لازمه تأمین هدف مجازات‌ها، توجه به دو اصل فوریت در اعمال و حتمیت اجرای مجازات است. «هر چه فاصله زمانی میان تبهکاری و کیفر کوتاه‌تر باشد، تداعی دومفهوم جرم و کیفر در ذهن انسان قوی‌تر و پایدارتر خواهد ماند، به نحوی که انسان رفته رفته یکی را علت و دیگری را معلوم ضروری و حتمی به شمار می‌آورد» (بکاریا، ۱۳۶۸: ۹۶). اهمیت مراتب فوق در کنار لزوم فردی کردن مجازات‌ها، سیستم‌های مختلف حقوقی را به توجه بیشتر در مرحله اجرای احکام از طریق ارتقاء جایگاه «قاضی اجرای مجازات‌ها» و ایجاد «دادگاه اجرای مجازات‌ها»<sup>۱</sup> وادر نموده است. البته تقویت جایگاه قاضی اجرای مجازات‌ها نیازمند حضور عناصر دیگری، از جمله پلیس تخصصی و کارآمد خواهد بود.

پلیس از گُنشگرانِ اصلی فرآیند کیفری محسوب می‌شود که به عنوان ضابط فنی یا قضایی، در آغاز فرآیند رسیدگی کیفری با شهروندان روبرو می‌شود. پلیس معمولاً نخستین نهادی است که در جریان ارتکاب جرم قرار می‌گیرد (رجبی، ۱۳۸۸: ۱۵) لکن از نقش پلیس در مراحل بعدی فرآیند کیفری خصوصاً مرحله اجرای حکم نیز نباید غافل شد. با وجود تلاش گسترده مراجع انتظامی، اطلاعاتی، دستگاه قضایی و صرف هزینه‌های فراوان، شاهد آن هستیم که پرونده‌های کیفری در واحدهای اجرای احکام انباشت شده و آخرین مرحله فرآیند کیفری که همان اجرای حکم و چشاندن طعم عدالت به بزدیده و جامعه است، با کندی و تعلل مواجه است. به همین علت رئیس قوه قضاییه برای برونو رفت از این معضل در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۱ دو دستورالعمل با عنوان ساماندهی اجرای احکام کیفری به تصویب رسانده است.

یکی از مواردی که به خوبی در این دستورالعمل‌ها دیده شده، تشکیل پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ است. با تشکیل این پلیس، دو مشکل اساسی از واحدهای اجرای احکام کیفری تا حدودی مرتفع خواهد شد. به این ترتیب مشکل قدیمی ابلاغ اوراق و دیگری دستگیری محکومین متواری که باعث انباشت پرونده‌ها شده‌اند، را حل می‌نمایند. علاوه بر آن تشکیل پلیس مذکور گام مهمی در راستای تحقق اصول فوریت و حتمیت در اجرای مجازات‌ها به شمار می‌آید.

۱. ماده ۱-۷۱۲ قانون آین دادرسی کیفری فرانسه با اصلاحات ۲۰۱۲ «قاضی اجرای مجازات‌ها و دادگاه اجرای مجازات‌ها شامل مراجعت اجرای مجازاتهای درجه اول (بدوی) است».

کلمه پلیس را واژه‌ای یونانی و مشتق از ریشه «پلی‌تیا» و «پلی‌تیکا» به معنی حکومت و مدیریت می‌دانند (صانعی، ۱۳۹۱: ۱۳۶). یکی از وظایف خطیر پلیس ایجاد امنیت است. چراکه امنیت حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند و امنیت از ضروری ترین نیازهای یک جامعه است. امنیت در گفتمان سلبی، بر بود خطر و تهدیدات استوار بود ولی در گفتمان ایجابی به تأمین و تضمین آسایش و آسودگی نظر دارد (کریمیابی، ۱۳۸۹: ۸).

از سویی تحقق امنیت امری است فنی و تخصصی و با توجه به پیشرفت‌های دنیای امروز هر نهادی جهت ارتقاء و کارآمدی، نیاز به تخصص دارد. پلیس نیز از این مقوله مستثنی نبوده است هرچند که تاکنون اقدامات موثری در راستای تشکیل پلیس‌های تخصصی مثل: پلیس پیشگیری، آگاهی، اطلاعات و امنیت عمومی، مبارزه با مواد مخدر، امنیت اخلاقی، فرودگاه، پلیس راه آهن و ... صورت گرفته است ولی در حوزه تخصصی امور قضایی، از جمله مرحله اجرای احکام، کماکان این خلاء احساس می‌شود. علاوه بر آن، پلیس اجرای احکام به طور خاص با تسريع در اجرای حکم و اعمال مجازات‌ها، نقش مهمی در ارتعاب عام و خاص و یا در راستای پیشگیری از تکرار جرم، ایفا می‌کند.

## ۱. جایگاه پلیس ویژه در قوانین عادی

ماده ۲۸ قانون آین دادرسی کیفری در مقام تعریف ضابطان دادگستری، یکی از وظایف ایشان را ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی اعلام کرده است. همچنین در ماده ۴۸۵ قانون مذکور برای معاونت اجرای احکام کیفری به تعداد لازم قاضی، مددکار اجتماعی، مأمور اجرا و مأمور مراقبتی پیش‌بینی شده است. علی‌الظاهر معاونت اجرای احکام کیفری و قاضی اجرای احکام کیفری پست‌های جدیدی هستند که نیاز به ابلاغ مخصوص از سوی رئیس قوه قضائیه دارند لکن رویه قضایی تاکنون چنین عمل نکرده و با ابلاغ داخلی دادستان، یکی از معاونان وی، تصدی اجرای احکام کیفری را به عهده می‌گیرد و قضات اجرای احکام کیفری همان دادیارانی هستند که با ابلاغ داخلی به این سمت منصوب می‌شوند.

عبارت مأمور اجرا در امور کیفری نیز از ابداعات قانون آین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است. مأمور در لغت فرمان داده شده و فرمان‌بر است (عمید، ۱۳۸۴: ۱۰۷۶). واژه اجرا نیز در

اصطلاح به کاربردن قانون یا به کار بستن احکام دادگاه‌ها یا مراجع رسیدگی اداری یا استناد رسمی را گویند؛ همچنین اجرای احکام گاهی به معنای خاص اجرای حکم دادگاه و گاهی به معنی عام اجرای رأی دادگاه اعم از حکم و قرار به کار می‌رود (جعفری لنگرودی، ۹: ۱۳۸۷)

در قانون اجرای احکام مدنی مأمور اجرا، همان دادورز بوده که در مواد مختلف قانون به آن اشاره شده است. بهموجب ماده ۱۳ این قانون «اگر دادگاه دادورز (مأمور اجرا) نداشته باشد و یا دادورز (مأمور اجرا) به تعداد کافی نباشد، می‌توان احکام را به وسیله مدیر دفتر یا کارمندان دیگر دادگاه یا مأمورین شهریانی یا ژاندارمری اجرا کرد».

با توجه به مطالب فوق و نظر به این که دادورز یا مأمور اجرا در اجرای احکام حقوقی از کارمندان دادگستری محسوب می‌شود و به نظر می‌رسد که مأمور اجرا در واحدهای اجرای احکام کیفری نیز باید از همان کارمندان بوده و منصرف از ضابطان دادگستری (پلیس) می‌باشد. هرچند که با وجود کارکنانی با ابلاغ رسمی مأمور اجرا، از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون آین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، عملاً در واحدهای اجرای احکام کیفری چنین جایگاهی احیا نشده است.

اداره کل تشکیلات و طبقه‌بندی مشاغل، معاونت تشکیلات و بهبود روش‌های معاونت راهبردی قوه قضائیه قوه در فرم شماره ۲۱۷۴/۲۰۱/۲۴ شرح وظایف پست سازمانی مأمور اجرا، ۱۱ مورد را به عنوان وظیفه اعلام کرده که شماره ۸ آن انجام مجازات‌های مقرر قابل توجه است.<sup>۱</sup> با توجه به مطالب فوق و مقایسه با جایگاه مأمور اجرا احکام کیفری و مأمور اجرای احکام حقوقی (دادورز) می‌توان گفت که مأمور مراقبت که طبق ماده ۴، قانون مجازات اسلامی انجام وظیفه خواهد کرد. نیز از کارکنان قوه قضائیه است بنابراین مانع وجود ندارد که حتی از ضابطان یا کارکنان مرتبط سازمان زندان‌ها در این خصوص استفاده شود.

علاوه بر مقررات فوق که درخصوص مأمور اجرا و مأمور مراقبت بیان شد، براساس شق (ط) بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، اجرا و ابلاغ احکام قضایی یکی از وظایفی است که طبق قانون به عهده نیروی انتظامی (به عنوان ضابط قوه قضائیه) محول شده است. همان‌طور که برابر ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، فرماندهی نیروی

۱. درگاه معاونت راهبردی قوه قضائیه به نشانی <<http://dadplan.ir/Default.aspx?tabid=4305>>، تاریخ

مراجعه: ۱۳۹۷/۵/۲۱

انتظامی اعضای ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز است که در اجرای ماده ۷۵ همین قانون، موظف است برای ابلاغ و اجرای احکام موضوع قانون، مأموران انتظامی آموزش دیده را در واحدهای اجرای احکام قوه قضاییه و تعزیرات حکومتی مستقر نماید.<sup>۱</sup>

عموماً پرونده‌های واردہ به اجرای احکام کیفری به دلایل گوناگون مثل ماهیت محکومیت (حبس‌های بلندمدت)، عدم شناسایی محکوم علیه، متواری بودن محکوم علیه و دلایلی مثل کمبود نیروی قضایی و اداری، برای مدتی در واحدهای اجرای احکام باقی می‌مانند لذا با وجود قوانین عادی در خصوص کلیت و نحوه اجرای احکام کیفری، به منظور ساماندهی واحدهای مذکور «دستورالعمل ساماندهی واحدهای اجرای احکام کیفری»<sup>۲</sup> به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید. این دستورالعمل ۲۲ ماده‌ای، مقررات مختلفی درخصوص بازشماری، تطیق و تصحیح آمار، تهیه گزارش تحلیلی از وضعیت پرونده‌ها، احراز هویت وثیقه‌گذار، نحوه اجرای احکام ضرر و زیان ناشی از جرم، قرار تأمین خواسته کیفری و دستور ضبط وثیقه، تعیین تکلیف پرونده‌های غیابی و تقسیط دیه، آموزش کارکنان و ... وضع کرده است. در ماده ۸ این دستورالعمل آمده است: «جهت تسريع در ابلاغ اوراق قضایی و اجرای احکام به تعداد لازم کارمند و نیروی انتظامی آموزش دیده در محل دادسرا مستقر گردد تا تحت نظارت و تعلیمات دادستان و معاونان او، نسبت به انجام امور محوله اقدام نمایند». این ماده دارای دو نکته حائز اهمیت است:

۱. برای اولین بار مأموران نیروی انتظامی آموزش دیده جهت تسريع در ابلاغ و اجرای احکام پیش‌بینی و فراخوانده شده‌اند.

۲. از نظر مکانی محل استقرار آن‌ها در دادسرا و تحت نظارت دادستان و معاونان وی لحاظ شده است.

با وجود ابلاغ دستورالعمل مذکور، کماکان مشکل تراکم غیرمعارف و نابسامانی‌ها در واحدهای اجرای احکام کیفری به عنوان یک معضل قضایی و به علت نارضایتی ارباب رجوع و

۱. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است برای ابلاغ و اجرای احکام موضوع این قانون مأموران انتظامی آموزش دیده را در واحدهای اجرای احکام قوه قضاییه و تعزیرات حکومتی مستقر نماید. وزارت دادگستری و سازمان تعزیرات حکومتی موظف استند امکانات لازم را برای استقرار این نیروها فراهم کنند.

۲. به شماره ۲۱۸۹۲/۹۰۰ ۲۱/۰۴/۲۸ در تاریخ .

اطاله اجرایی، باعث شد مجدداً در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۹۱ (حدود سه سال بعد)، رئیس قوه قضاییه دومین «دستورالعمل ساماندهی واحدهای اجرای احکام کیفری»<sup>۱</sup> را به تصویب برساند. عنوان و مقدمه هر دو دستورالعمل کاملاً یکسان است. در دستورالعمل دوم در مورد اعتبار مقرره نخست تصریحی وجود ندارد. به نظر می‌رسد با توجه به یکسانی عنوان، مقدمه، موضوعات و اینکه دستورالعمل مؤخر اراده جدید تصویب‌کننده را نشان می‌دهد، استناد به دستورالعمل اول جزء درخصوص موضوعاتی که در دستورالعمل جدید مسکوت مانده است، بلاوجه باشد؛ مانند بحث پرونده‌های دارای احکام غیابی موضوع ماده ۱۱ دستورالعمل اول که در دستورالعمل دوم به آن اشاره‌ای نشده است.

در ماده ۱۸ دستورالعمل مؤخر با ادبیاتی مشابه ماده ۸ دستورالعمل قبل، آمده است: «جهت تسریع در ابلاغ اوراق قضایی و اجرای سریع احکام به تعداد لازم کارمند و مأمور انتظامی آموزش دیده (پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ) در محل دادسرا مستقر تا تحت نظارت و تعليمات دادستان نسبت به انجام امور محوله اقدام نمایند». تنها نکته جدید این ماده نسبت به ماده قبلی آن است که عنوان «پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ» برای مأموران انتظامی آموزش دیده که می‌باشد در دادسرا مستقر شوند، وضع شده است؛ به عبارت دیگر، این ماده به صراحة وجود پلیس مخصوص و آموزش دیده تحت نظارت دادستان و مستقر در محل دادسرا را با عنوان خاص، ابداع کرده است.<sup>۲</sup>

۱. به شماره ۰۰/۸۵۶۳/۹۰۰۰ در ۲۲ ماده.

۲. لایحه پلیس قضایی در قالب ماده واحده شامل هفت تبصره توسط قوه قضاییه تهیه شده و به موجب نامه شماره ۹۰۰۰/۱۷۱۴۵/۱۰۰ در تاریخ ۹۳/۳/۳۱ برای تقدیم به مجلس شورای اسلامی به وزارت دادگستری ارسال شده است لکن در تاریخ ۹۳/۹/۲۵ وزیر دادگستری اعلام کرده است که لایحه مزبور در هیأت دولت مطرح و مورد مخالفت قرار گرفته است. پس از آن رئیس قوه قضاییه در اجرای قانون الحق یک تبصره به ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه مصوب ۹۲/۷/۲۰ و تکلیف مقرر در بند الف ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۹۳/۱۰/۱ لایحه مذکور را به منظور سیر مراحل تصویب و تقدیم به مجلس شورای اسلامی ارسال نموده است و در تاریخ ۹۳/۱۰/۷ اعلام وصول شده و در انتظار بررسی در مجلس است. به موجب این ماده واحده «به منظور تسهیل و تسریع در اجرای وظایف و اختیارات قوه قضاییه و در راستای اجرای بند الف ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۹/۱۰/۱۵، پلیس قضایی به صورت واحدی زیرنظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد.

۳. وظایف و اختیارات این واحد عبارتند از: ۱. ابلاغ اوراق و آرای قضایی. ۲. اجرای احکام کیفری و مدنی و تعزیرات حکومتی.

## ۲. ماهیت و وظایف پلیس قضایی یا پلیس ویژه

آنچه که در بند ۱ و ۲ وظایف و اختیارات لایحه پلیس قضایی ملاحظه می‌شود، همان است که پیش از این درخصوص پلیس ویژه اجرای احکام مطرح شد لکن تبصره ۲ این ماده واحده، (لایحه یاد شده) پلیس قضایی را به عنوان ضابط خاص و تحت نظر قوه قضاییه قلمداد کرده است، درحالی که پلیس ویژه اجرای احکام مذکور در دستورالعمل های ساماندهی اجرای احکام کیفری و ماده ۷۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ ضابط عام محسوب می‌شوند. در ادامه منصرف از نام پلیس قضایی که همچنان باید منتظر تصویب آن باشیم، ضمن تفکیک وظیفه ماموران ویژه در اجرای احکام و موضوع ابلاغ اوراق قضایی، تحقیق را پی می‌گیریم.

### ۲-۱. وظایف پلیس ویژه مرتبط با ابلاغ

امر ابلاغ یکی از پایه‌های اساسی دادرسی عادلانه است لذا دادرسی بدون ابلاغ امکان‌پذیر نیست؛ به عبارتی ابلاغ و آگاهی مخاطب، لازمه حق دفاع و رکن اصلی دادرسی است بنابراین ابلاغ صحیح و به موقع اوراق قضایی و اخطارها به شخص مخاطب و آگاه کردن اینجانب دعوا از محتويات دعوی با اوراق قضایی و وقت رسیدگی از موضوعات مؤثر در دادرسی عادلانه برای پرهیز از اطاله دادرسی است. دقت و سرعت در امر ابلاغ از یک سو باعث افزایش رضایتمندی مراجعین و از سوی دیگر باعث کاهش سوءاستفاده و تخلف درونی دستگاه خواهد شد.

ابلاغ از ریشه ثلثی مجرد «بلغ» است و در لغت به معنای «رساندن یا رسانیدن نامه یا پیام به کسی است» (عمید، ۱۳۸۲: ۷۳). همچنین ابلاغ در معنای حقوقی از معنای لغوی آن دور نشده و به معنای «رساندن اوراق دعوی و اوراق اجرایی و اظهارنامه‌ها و احکام دادگاهها به کسی که هدف آگاه کردن اوست» می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۶۸). مسئله ابلاغ هم به لحاظ حجم اوراق ابلاغی و هم هزینه بالا، کمبود نیروی انسانی و امکانات، ناکارآمدی مأمورین و عدم ارتقاء ساختاری و گاهی فساد اداری، به عنوان یکی از مشکلات اساسی دستگاه قضایی از دیرباز مورد توجه بوده است.



تجام وظایف ضابط قوه قضاییه در موارد ارجاعی.

یکی از جلوه‌های دادگستری نوین و کارآمد، دسترسی سریع و بهنگام به دادگستری است. اصل دسترسی سریع که از جمله اصول راهبردی حاکم بر عدالت آینی تلقی می‌شود، در پی تسریع اجرای عدالت بوده و دربردارنده اصل استانداردسازی زمان دادرسی بر اساس فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌باشد. اصل ۷ از اصول آین دادرسی مدنی فراملی و بند ۳ از ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICT) نیز به این اصل اشاره دارند (شهربازی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۲۲).

در راستای رفع مشکل ابلاغ الکترونیک و استفاده از فناوری در ارائه خدمات قضایی و رسیدگی به پرونده‌ها، مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ قانون آین دادرسی کیفری تدوین و جواز قانونی این مهم صادر شده است به دنبال آن در اجرای مواد مذکور «آین نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی» در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۹۵ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید.<sup>۱</sup> با شروع اجرای این آین نامه از مهرماه ۱۳۹۵ در سراسر کشور بود که، تحول عظیمی در حوزه ابلاغ صورت گرفت. براساس بند (ز) ماده یک آین نامه مذکور، ابلاغ الکترونیکی عبارت است از: «ارسال الکترونیکی اوراق قضایی و آگهی‌ها از طریق سامانه ابلاغ».

به منظور تحقق اجرای طرح ابلاغ الکترونیک وجود دو سامانه ضروری است که از سوی قوه قضاییه طراحی و هم اکنون عملیاتی شده است: اول سامانه «ثنا»؛ یا سامانه ثبت‌نام الکترونیکی که عبارت است از: سامانه‌ای برای ثبت‌نام الکترونیکی و دریافت حساب کاربری (بند د ماده ۱۰ آین نامه). دوم سامانه ابلاغ؛ سامانه‌ای الکترونیکی که بر بستر شبکه وب، قابل دسترسی و استفاده برای طرفین دعوا یا نماینده قانونی آنان، دفاتر خدمات قضایی، کارشناسان، ضابط قضایی و سایر اشخاص مرتبط برای ابلاغ اوراق قضایی و نشر آگهی به صورت الکترونیکی است.

به استناد ماده ۹ آین نامه، مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه موظف است برای کلیه اصحاب دعوا، وکلا، نماینده‌گان قانونی، کارشناسان و دیگر اشخاص مرتبط با پرونده قضایی، حساب کاربری<sup>۲</sup> ایجاد کنند. همچنین مراجعان به قوه قضائیه نیز موظف هستند جهت انجام امور

۱. روزنامه رسمی شماره ۲۰۸۱۱ مورخ ۹۵/۵/۲۸

۲. بند خ ماده ۱ آین نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، حساب کاربری: عبارت است از یک نشانی الکترونیکی که به هر یک از مراجعان به قوه قضائیه به منظور دسترسی به سامانه ابلاغ اختصاص یافته است. این نشانی معمولاً یک شناسه کاربری و گذر واژه است.

قضایی خود حساب کاربری دریافت نمایند. به عبارت دیگر، کلیه مراجعین اعم از اصحاب پرونده و مرتبط با پرونده و اشخاص حقیقی و حقوقی برای بهره‌مندی از خدمات ابلاغ الکترونیک می‌باشند بدواناً در سامانه ثنا ثبت نام کرد. با ثبت نام در سامانه مذکور یک نام کاربری (که کدمی است) و یک گذرواژه دریافت می‌کنند پس از ثبت نام اشخاص در سامانه، هرگونه ابلاغی افراد است) و یک گذرواژه دریافت می‌کنند پس از ثبت نام اشخاص در سامانه، هرگونه ابلاغی که صادر شود به حساب کاربری و سامانه ابلاغ ارسال می‌شود. قابل ذکر است که صدور هر ابلاغی از طریق پیامک و پست الکترونیک افراد نیز اطلاع‌رسانی می‌شود. همچنین یک بار ثبت نام در سامانه ثنا برای هر شخصی کافی است و هر پرونده‌ای و با هر سمتی که در طول دوران زندگی فرد تشکیل شود، ابلاغیه‌های آن به همان حساب کاربری ارسال می‌شود. سازوکار پیش‌بینی شده در حوزه ابلاغ الکترونیک باعث کاهش چشمگیر ابلاغ سنتی شده است، به نحوی که در کل کشور به میزان قابل توجهی ابلاغ‌ها به صورت الکترونیک انجام می‌شود و این بدان معنی است که به همین میزان مأموریت‌های پلیس در حوزه ابلاغ کاهش یافته است.<sup>۱</sup>

همان‌طور که بیان شد در ابلاغ الکترونیکی، سازوکار ابلاغ به گونه‌ای طراحی شده که پس از صدور ابلاغیه در دفتر مراجع قضایی، بلاfaciale در بستر شبکه CMS و سامانه، ابلاغیه مذکور در حساب کاربری مخاطب بارگذاری شده و وصول آن به حساب کاربری ابلاغ قانونی و مشاهده آن ابلاغ واقعی محسوب می‌شود لذا در این نوع ابلاغ هرچند عامل انسانی در صدور ابلاغیه دخیل است لکن عامل انسانی در ابلاغ اوراق و وصول آن دخالتی ندارد و همین موضوع یکی از مزایای مهم ابلاغ الکترونیک محسوب می‌شود. به هر حال، آنچه که در خصوص وظیفه پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ گفته شد، ابلاغ سنتی بوده ولی در ابلاغ الکترونیک به لحاظ ماهیت کار، دخالت پلیس تا اندازه‌ای سالبه به انتفاء موضوع است؛ چراکه گستره ابلاغ الکترونیکی محدود بوده و هنوز فراگیر نشده است.

## ۲-۲. وظایف پلیس ویژه مرتبط با اجرای مجازات‌ها

اجرای حکم و مجازات نیز یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل دادرسی کیفری است. به

۱. درگاه مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه به نشانی:

<<http://www.dadiran.ir/Default.aspx?tabid=2351&ID=8655>>

۹۷/۵/۱۸ تاریخ مراجعه:

عبارة دیگر، دادرسی کیفری برای تحقق این مرحله صورت می‌گیرد. اجرا در معنای قانونی عبارت است از: اعمال قدرت عمومی برای تحمیل مفاد حکم مراجع قضایی به محکوم علیه و یا اجراء شخص به انجام تعهدات و الزاماتی که با تمايل و یا به امر قانون عهده‌دار گردیده است (فتحی و اقبالی، ۱۳۹۵: ۱). به استناد ماده ۴۹۰ قانون آین دادرسی کیفری، آراء کیفری در موارد زیر پس از ابلاغ، به موقع اجرا گذاشته می‌شوند: الف) رأی قطعی که دادگاه نخستین صادر می‌کند؛ ب) رأی که در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام آن رد شده باشد؛ پ) رأی که مرجع تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد. ت) رأی که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد.

همچنین اجرای احکام کیفری به عهده دادستان و تحت نام معاونت اجرای احکام کیفری قرار دارد. از این قرار، معاونت اجرای احکام کیفری به تعداد لازم قاضی اجرای احکام کیفری، مددکار اجتماعی، مأمور اجرا و مأمور مراقبتی در اختیار دارد. در هر صورت مهم ترین وظیفه قاضی اجرای احکام کیفری، صدور دستور اجرای احکام لازم الاجرا کیفری و نظرات بر شیوه اجرای احکام آن‌ها است (ماده ۴۸۹ قانون آین دادرسی کیفری). همان‌طور که بیان شد، قاضی اجرای احکام برای انجام وظایف خود به عوامل و بازوهای اجرایی نیاز دارد که پلیس ویژه اجرای احکام، اصلی‌ترین نیروی عملیاتی اجرای احکام محسوب می‌شود. طبق مطالعه قوانین و مقررات پیش گفته وظایف پلیس اجرای احکام کیفری و ابلاغ، در عملیات اجرایی و اجرای دستورات و تصمیمات قاضی اجرای احکام به شرح آتی هستند.

## ۱-۲-۲. جلب محکومان

اصل بر لزوم احضار قبلی محکوم و عدم جلب ابتدایی است لذا توسل به جلب محکوم علیه بدون احضار قبلی وی، امری استثنایی و نیازمند استدلال کتبی قاضی اجرای احکام است. تنها دلیل توجیه کننده این امر، نیز می‌تواند بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد (خالقی، ۱۳۹۳: ۳۹۵). هرچند بخش عمده‌ای از برگ جلب‌های صادره توسط مراجع قضایی در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها منجر به دستگیری نمی‌شود که دلایل متعددی دارد؛ مثل کمبود نیروی انسانی، کمبود تجهیزات، فقدان تخصص، فقدان اطلاعات مربوط به محکوم علیه و ... این موضوع باعث انشاست پرونده‌ها در واحدهای اجرای احکام کیفری شده است. خصوصاً در پرونده‌هایی که شاکی خصوصی ندارند یا

پرونده‌های دارای رأی غایبی و محکوم‌له ناتوان، این معضل برجسته‌تر است.

به این ترتیب، تراکم غیرمتعارف پرونده‌ها و بلاتوجه بودن بخش عمدۀ دستورات جلب در کلانتری و پاسگاه‌ها، فلسفه تشکیل «پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ» است. آنچه که از این نیروی عملیاتی توقع می‌رود، افزایش کارآیی در دستگیری محکومین و چشاندن طعم عدالت به جامعه است. در راستای افزایش کارآیی پلیس ویژه اجرای احکام درخصوص جلب محکومین اقدامات زیر مؤثر بوده است:

۱. تجهیز پلیس مذکور به سامانه‌های اطلاعات افراد که در اختیار ناجا است، برای پالایش اطلاعات محکومین و شناسایی دقیق محل اقامت و سکونت ایشان قبل از عملیات دستگیری؛
۲. اجازه دسترسی پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ به اطلاعات محکومین مذکور در پرونده قضایی مثل: تصویر محکوم‌ عليه،<sup>۱</sup> نوع جرم، نوع محکومیت، میزان محکومیت و نحوه ارتکاب جرم، اطلاعات شاکی، اطلاعات شهود و مرجع گزارش‌دهنده اولیه و غیره ... جهت استفاده از اطلاعات و انجام موفق عملیات با پیش‌آگاهی کامل؛
۳. تجهیز پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ به سامانه متهمین تحت تعقیب جهت اعلام اسامی محکومین به این سامانه و سامانه متهمین دستگیر شده برای شناسایی محکومین که برگ جلب آنها صادر شده است؛
۴. تجهیز پلیس ویژه اجرای احکام به سامانه پانیذ (ثبت اطلاعات زندانیان سراسرکشور) برای شناسایی محکومین مغلوب که احیاناً در زندان به سرمی‌برند یا وارد زندان می‌شوند؛
۵. تجهیز پلیس به سیستم کنترل تردد (سیستم مدیریت پرونده قضایی) واحدهای قضایی برای شناسایی و جلب محکومین که برگ جلب آنها صادر شده و به مراجع قضایی تردد دارند؛
۶. طراحی نرمافزار مخصوص پلیس ویژه اجرای احکام کیفری و ابلاغ جهت ثبت برگ جلب‌ها و دستورات قضایی وارده و تحلیل اطلاعات و آمارگیری و ثبت نتیجه اقدامات.

## ۲-۲-۲. اجرای دستورات مربوط به حقوق عینی، از جمله رفع تصرفات

در پرونده‌های کیفری مربوط به تصرف عدوانی، مزاحمت ملکی و ممانعت از حق در اراضی

---

۱. از سیستم مدیریت پرونده قضایی که به سازمان ثبت احوال متصل است، امکان استخراج تصویر وجود دارد.

اشخاص یا تصرف عدوانی اراضی ملی و یا تغییر کاربری اراضی کشاورزی بسته به ماهیت پرونده و نحوه ارتکاب جرم، قاضی صادرکننده حکم موظف است حسب مورد، رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق و رفع تجاوز یا اعاده وضع به حال سابق نماید.

پلیس ویژه اجرای احکام کیفری، تحت تعليمات قاضی اجرای احکام در این موضوعات اقدام تخصصی خواهد کرد، از جمله رویه عملی اجرای چنین احکامی این است که با آماده‌سازی ماشین آلات و تجهیزات لازم و با حضور نماینده اجرای احکام و حضور پلیس ویژه اجرای احکام به عنوان قوه قهریه و کارشناس ذری‌ربط جهت اجرای حکم و حتی با احتمال جلوگیری از مقاومت محکوم‌علیه و بستگان وی، صورت می‌گیرد.

### ۳-۲-۲. اجرای مجازات‌های سالب حیات

از آنجا که حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیّات مقرر در آن باشد لذا حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها نیز حسب مورد نباید از میزان و کیفیّتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است، تجاوز کند.<sup>۱</sup>

در خصوص اجرای مجازات‌های سالب حیات، اضافه بر مقرراتی که درباره تشریفات اجرا، درخواست اجرا و وظایف قاضی اجرا، زمان و مکان اجرا و وظیفه نیروی انتظامی که پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ به عنوان جانشین آن محسوب می‌شود، نکات زیر قابل توجه است:

۱. تأمین امنیت محل اجرای حکم در خارج از محوطه زندان.
۲. جلوگیری از ورود تماشچی یا طبقات خاصی که حضور آنان بنا به تشخیص دادستان به مصلحت نباشد.
۳. فیلمبرداری و عکسبرداری از مراسم اجرای حکم در مواردی که محل اجرا خارج از محوطه زندان باشد.

---

۱. هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد، حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود. (مواد ۱۲ و ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

#### ۴. اعضاء صور تجلیسه اجرای حکم.

##### ۴-۲-۴. اجرای مجازات‌های بدنی

بخش عمده‌ای از مجازات‌های بدنی در قوانین جزایی، شلاق یا تازیانه است. شلاق یک نوع مجازات بدنی است که به موجب آن بدن مجرم از طریق نواختن ضربه با شلاق مورد درد و عذاب قرار داده می‌شود، بدون آن که عضوی از اعضاء بدن قطع یا جرح شود و بدون آن که حیات وی سلب شود (احمدی موحد، ۱۳۸۳: ۱۳۴).

البته علاوه بر جنبه فیزیکی و درد ظاهری شلاق، جنبه روانی و تردیلی اجرای حکم شلاق نیز قابل توجه است. به نحوی که شخص محکوم علیه در وضعیتی قرار گرفته که به لحاظ ارتکاب جرم، او را شایسته نواختن تازیانه کرده است، علی‌ای حال، همان‌گونه که در بخش جایگاه قانونی پلیس ویژه اجرای احکام گذشت، اجرای احکام و تصمیمات قضایی به‌طور کلی بر عهده ضابطان و به طور خاص به عهده پلیس ویژه اجرای احکام است. فقدان نیروی خاص و آموزش دیده و یا عدم نظارت مستقیم قصاصات اجرای احکام موجب شده است تا این مجازات اغلب شدیدتر یا خفیف‌تر از میزان مقرر در حکم دادگاه و یا به نحو نامناسب اجرا شود لذا وجود پلیس ویژه که در خصوص اجرای حکم شلاق نیز آموزش‌های لازم دیده باشند، ضرورتی حتمی است. تا مطابق آین نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق مصوب ۱۳۸۲ اقدام گردد. در حقیقت نیز حضور پلیس ویژه اجرای احکام نافی حضور و نظارت مستقیم قاضی اجرای احکام به عنوان مسئول اجرا و ناظر اقدامات در زمان اجرای حکم شلاق نیست. همچنین در خصوص سایر مجازات‌های بدنی مثل: قصاص عضو و قطع عضو نیز پلیس ویژه اجرای احکام وظایفی مشابه موارد مذکور به عهده دارد.

##### ۴-۲-۵. اجرای تبعید یا اقامت اجباری یا منع از اقامت در محل معین

برابر ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین مجازات‌های تکمیلی هستند که دادگاه می‌تواند فردی که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است، با رعایت شرایط قانونی متناسب با جرم ارتکابی و خصوصیات متهم محکوم نماید. طبق مواد ۵۲۵ و ۵۴۶ قانون آین دادرسی کیفری شخصی که به

تبیید یا اقامت اجباری محاکوم شده است، به دادسرای محل اجرای حکم اعزام می‌شود و نظارت بر حضور و فعالیت محاکومان در محل تبیید یا اقامت اجباری به عهده قاضی اجرایی احکام کیفری محل اجرای حکم است. همچنین اشخاصی که به منع از اقامت در نقطه‌ای معین محاکوم می‌شوند، از محل تعیین شده اخراج و مراتب به نیروی انتظامی محل و سایر نهادها و مراجع مرتبط ابلاغ می‌شود اما براساس آیین نامه مربوط به نحوه اجرای مجازات‌های تكمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی و مقررات پیش‌گفته، وظایف نیروی انتظامی به طور عام و پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ به‌طور خاص به شرح زیر است:

۱. اعزام محاکومان به محل تبیید یا اقامت اجباری؛

۲. ثبت‌نام محاکومان به تبیید در دفتر مخصوص و مراقبت‌های لازم تا پایان محاکومیت و انجام حضور و غیاب روزانه؛

۳. اطلاع به فرمانداری و اداره اطلاعات از حضور محاکوم‌علیه در محل؛

۴. گزارش خروج غیرمجاز محاکوم‌علیه از محل تبیید یا اقامت اجباری به مرجع قضایی؛

۵. گزارش مشاهده محاکوم‌علیه در محل یا محل‌های ممنوعه اقامت به مرجع قضایی.

### نتیجه گیری

در قانون آیین دادرسی کیفری تا حدودی به ارتقا جایگاه قاضی اجرای احکام توجه شده است و برای اولین بار در ماده ۴۸۵، معاونت اجرای احکام و قاضی اجرای احکام پیش‌بینی شده است. در همین راستا نیز پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ، زمینه‌ای مناسب برای احیاء جایگاه واقعی و تقویت نهاد قاضی اجرای احکام است. همچنین به لحاظ تخصصی بودن پلیس ویژه اجرای احکام، قاعده‌تاً موجبات افزایش کارآیی ضابط (در حال حاضر نیروی انتظامی) نیز فراهم خواهد شد. پس تأسیس پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ، مغایرتی با قانون اساسی ندارد بلکه اصل ۶۱ و بند چهارم اصل ۱۵۶ این قانون زمینه را برای تصویب قوانین عادی در راستای تشکیل پلیس‌های تخصصی برای اجرای عدالت به طور عام و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود به طور خاص فراهم کرده‌اند.

ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری، یکی از وظایف ضابطان دادگستری را ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی اعلام نموده است و ماده ۷۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، به عنوان

اولین قانون عادی است که به صراحت استقرار مأموران آموزش دیده در واحدهای اجرای احکام قوه قضائیه و تعزیرات حکومتی را مطرح می‌کند. همچنین به استناد مواد ۲۹ و ۴۸۵ قانون آین دادرسی کیفری و با توجه به ساختار سازمانی کارکنان اداری دادگستری و شرح وظایف آنان، مأمور اجرا و مأمور مراقبتی از کارمندان دادگستری هستند ولی پلیس ویژه اجرای احکام کیفری و ابلاغ در حال حاضر باید از مأموران نیروی انتظامی باشد.

با لحاظ سیستم گسترده مدیریت قضائی پرونده‌ها و متعاقباً ابلاغ الکترونیکی در سراسر کشور، امروزه در مراجع قضائی با دو نوع ابلاغ سنتی و الکترونیک مواجه هستیم. بدیهی است با وجود بستر ابلاغ الکترونیک که در فضای مجازی و با تجهیزات الکترونیکی صورت می‌گیرد، پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ در این نوع ابلاغ نقشی ایفا نمی‌کند اما مصاديق ابلاغ سنتی توسط پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ شامل ابلاغ احضاریه، ابلاغ به کفیل و وثیقه گذار، ابلاغ برگ جلب و ابلاغ به محکوم له همچنان به صورت دستی و نیز فیزیکی صورت می‌گیرد که ضرورت آموزش این مأموران اجتناب ناپذیر است.

پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ در اجرای دستورات مربوط به: رفع تصرفات در حقوق عینی، و اجرای مجازات‌های سالب حیات، اجرای مجازات شلاق، نظارت بر حضور و فعالیت محکومان به تبعید و اقامت اجباری یا منع اقامت در محل معین، استرداد، ضبط یا معدوم کردن اموال ناشی از جرم، شناسایی و توقيف اموال به عنوان نیروی عملیاتی و واحدهای اجرای احکام کیفری، می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند.

به دلایل گوناگون مثل کمبود نیرو و امکانات، حجم بالای امور محوله به ضابطان، نفوذ محکومان، فساد اداری، قانون‌گریزی تلاشی برای شمول مرور زمان، عدم نظارت‌ها و ... ممکن است دستگیری محکومین را با تعلل مواجه سازد لذا تشکیل پلیس اجرای احکام و از بین رفن زمینه‌های مذکور به منظور تسريع در اجرای مجازات‌ها و دستگیری به موقع محکومین، تأثیر مثبتی بر قطعیت اجرای مجازات‌ها خواهد داشت پس هرچه احتمال دستگیری افزایش یابد، اجرای مجازات هم قطعی‌تر خواهد بود. به عبارت دیگر افزایش احتمال جلب محکومین نیز منوط به افزایش توان و امکانات پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ است؛ چون بخشی از محکومین متواری واحدهای اجرای احکام، در سطح جامعه مجدداً به اقدامات مجرمانه خود ادامه می‌دهند. اقدامات

پلیس ویژه اجرای احکام در دستگیری به موقع آن‌ها و معرفی ایشان برای اعمال مجازات، خصوصاً افرادی که به حبس محکوم شده‌اند، موجب ارتقاء امنیت اجتماعی و پیشگیری از تکرار جرم توسط افراد مذکور- از طریق حذف زمینه جرم و ارعاب خاص و همچنین پیشگیری از ارتکاب جرم توسط سایرین از طریق ارعاب عام- خواهد شد.

در جمع‌بندی مطالب مقاله پیشنهاد می‌شود: از بین نیروهای موجود که بعضًا به صورت متفرقه مشغول انجام مأموریت‌های جلب محکومین هستند و به دلایل گوناگون کارآیی مطلوب ندارند، پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ در محل دادسراه‌ها تشکیل داده و یک افسر ارشد به ریاست این پلیس تعیین گردد که طبق وظایف مطروحه در این تحقیق انجام وظیفه نمایند. با این کار بخشی از بار مسئولیت جلب محکومین از دوش پاسگاه‌ها و کلانتری‌ها برداشته و در عوض وظیفه آنان در واحدی تخصصی و با کارآیی بالاتر انجام خواهد شد. در این صورت قوه‌قضائیه دستورالعمل جامع‌ای را درخصوص نحوه تشکیل پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ و با تعیین وظایف و مأموریت‌ها و محل استقرار و نحوه تأمین نیرو و امکانات و تجهیزات این پلیس تدوین و ابلاغ نماید تا در سراسر کشور، پلیس مذکور به عنوان یکی از رده‌های پلیس پیشگیری یا یک پلیس تخصصی فعالیت خود را آغاز نماید.

### كتاب نامه منابع و مأخذ

- آخوندی، محمود. (۱۳۹۰). آین دادرسی کیفری «سازمان و صلاحیت مراجع کیفری». جلد دوم. چاپ سیزدهم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، محمد. (۱۳۸۸). آین دادرسی کیفری. جلد اول. چاپ پانزدهم. تهران: سمت.
- احمدی موحد، اصغر. (۱۳۸۳). اجرای احکام کیفری. چاپ اول. تهران: میزان.
- اردیلی، محمدعلی. (۱۳۸۹). علوم جنایی. «مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری-نگهداری تحت نظر». چاپ سوم. تهران: سمت.
- استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ و بولوک، برنار. (۱۳۷۷). آین دادرسی کیفری «موضوع و نهادهای دادرسی کیفری». ترجمه حسن دادبان. جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- بکاری، سزار. (۱۳۸۰). رساله جرایم و مجازات‌ها. ترجمه محمدعلی اردیلی. چاپ چهارم. تهران: میزان.
- بوریکان، ژان و سیمون، آن ماری. (۱۳۸۹). آین دادرسی کیفری. ترجمه عباس تدبیر. چاپ اول. تهران: خرسنده.
- پیک، ژرژ. (۱۳۹۰). جرم‌شناسی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ دوم. تهران: میزان.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۷). ترمینولوژی حقوق. چاپ نوزدهم. تهران: گنج داش.
- حالقی، علی. (۱۳۹۳). نکته‌ها در قانون آین دادرسی کیفری. چاپ اول. تهران: شهر دانش.
- رجی، ابراهیم. (۱۳۸۸). پلیس و حقوق شهوندی. چاپ اول. تهران: علوم پلیسی.
- صانعی، پرویز. (۱۳۹۱). حقوق جزای عمومی. جلد دوم. چاپ چهاردهم. تهران: گنج داش.
- اکرمی، سام و اکبری، عاطفه. (۱۳۹۵). نقش پلیس در پیشگیری از جرم قاچاق کالا. مجله مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه. دوره ۲. شماره ۱/۲. صص ۴۵-۳۴.
- باقری نژاد، زینب. (۱۳۹۰). «نقش پلیس زن در حمایت از زنان و کودکان بزهده‌یده مواد مخدر و روانگردان». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. سال ششم. شماره ۱۹، صص ۱۹۰-۱۶۳.
- جهانتاب، محمد. (۱۳۸۴). «پلیس مقندر»، فصلنامه دانش انتظامی. سال هفتم. شماره ۲. صص ۱۳۹-۱۲۶.
- رضوی، محمد و خزایی، علی. (۱۳۸۷). «حقوق شهروندی در فرآیند کشف جرم». فصلنامه دانش انتظامی. سال نهم. شماره ۴. صص ۱۰۷-۸۵.
- شهبازی‌نیا، مرتضی؛ غمامی، مجید و جوان، صدیقه. (۱۳۹۶). «فناوری اطلاعات و ارتباطات و عدالت قضایی» فصلنامه علمی-پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی. دوره ۲۲، شماره ۸۰ و ۷۹. صص ۱۴۸-۱۲۱.
- شیرانی، پویا و حیدری، مسعود. (۱۳۹۶). «نقش شکل گیری پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در پیشگیری از جرم». مجله کارآگاه. سال نهم. شماره ۳۹. صص ۹۱-۷۷.
- فتحی، مرتضی و اقبالی، عباس. (۱۳۹۵). «وظایف قضایی اجرای احکام کیفری در قوانین جزایی ایران». اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی. لرستان. مؤسسه عدالت گستر بارکه

- اولاًک. صص ۱۴-۱.
- کریمایی، علی اعظم؛ مرادیان، محسن و عباسی، علی. (۱۳۸۹). «نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت». *فصلنامه دانش انتظامی*. سال دوازدهم. شماره ۲. صص ۵۰-۷.
- محمد نسل، غلامرضا. (۱۳۸۳). «آشنایی با پلیس قضایی فرانسه (افراد، وظایف و اختیارات قضایی و مقایسه آن با ضابطان قضایی ایران)». *فصلنامه دانش انتظامی*. سال ششم. شماره ۲. صص ۸۱-۶۷.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۸۴). «رویکرد جرم‌شناختی به قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی». *ماهنامه تعالی حقوق*. شماره ۱۴-۱۳. صص ۵۳-۴۷.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (بهار و تابستان ۱۳۷۸). «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی». *مجله تحقیقات حقوقی*. شماره ۲۶ و ۲۵. صص ۱۵۰-۱۲۹.
- بزدی خواه، مهدیه سادات. (زمستان ۱۳۸۶). «پلیس زن و آسیب‌های موجود در سازمان». *مجله پلیس زن*. شماره ۴. صص ۱۱۹-۱۴۲.

## لاتین:

- Ashworth, Andrew and Redmayne, Mike. (2010). *The Criminal Process* (4th Edition). London: Oxford University Press.
- Palmiotto, Michael. (2011). *Community Policing: A Police-Citizen Partnership (Criminology and Justice Studies)*. London:Routledge Publishing.
- Smith, Graham. (2004). *Rethinking Police Complaints*. The British Journal of Criminology. Vol 44.

## منابع الکترونیکی

- <[https://www.Civilica.com/paper - FHSROLP 01-706html](https://www.Civilica.com/paper-FHSROLP 01-706html)>
- <Doi: ssrn.com/abstract=1160485>
- <[dad.plan.ir/Default.aspx?tabid=4305](http://dad.plan.ir/Default.aspx?tabid=4305)>
- <<http://www.dadiran.ir/Default.aspx?tabid=2351&ID=8655>>
- <[www.eadl.ir](http://www.eadl.ir)>

‘